



«جای خالی معنا؛ مدرنیسم و پسامدرنیسم» منتشر شد

رضا قنادان، نویسنده کتاب «جای خالی معنا؛ مدرنیسم و پسامدرنیسم» در پی ترسیم وضعیت انسان در جهان بدون معناست؛ وضعیتی که نویسنده آن را دردناک تلقی می‌کند.

رضا قنادان، نویسنده کتاب «جای خالی معنا؛ مدرنیسم و پسامدرنیسم» در پی ترسیم وضعیت انسان در جهان بدون معناست؛ وضعیتی که نویسنده آن را دردناک تلقی می‌کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، انتشارات «مهریستا» کتاب «جای خالی معنا؛ مدرنیسم و پسامدرنیسم» نوشته رضا قنادان را منتشر کرد. نویسنده در این کتاب دنبال درک و دریافت جایگاه انسان در جهان مدرن و پست مدرن است که آن را جهان بدون معنا تلقی می‌کند.

قنادان در مقدمه اثر خود بستر زایش جنبش فراگیر غرب را «فرهنگ فرانسه» معرفی می‌کند و می‌نویسد: «بستر زایش در پرتو روحیه نوجویی حاکم بر آن یکی از درخشان‌ترین تحولات ممکن در عرصه زیباشناسی را به ثمر می‌رساند. این تحول در دو شاخه قابل بررسی است. یکی شاخه آفرینش‌های هنری و ادبی که برخی از ممتازترین آثار زیبایی‌شناسانه جهان را پدید می‌آورد و دیگر شاخه گرایش‌های هنری که به مکتب‌ها و شیوه‌هایی هم‌چون «امپرسیونیسم»، «سمبولیسم»، «کوبیسم» و «اکسپرسیونیسم»، «ایماژیسم»، «سوررئالیسم» و ... واقعیت می‌بخشد.

آفرینندگان و سرایندگان این جنبش، که تعدادشان از شمار انگشتان دست فراتر نمی‌رود، در زمینه شعر «تی. اس. الیوت»، «ویلیام باتلر بیتس» و «آزراپاون»، در عرصه قصه «جیمز جویس»، «فرانتس کافکا» و «مارسل پروست» است. هر یک از این افراد با تکیه بر نبوغ فردی‌شان گام‌هایی راهگشا و دوران‌ساز در نو کردن ژانر مورد علاقه خود برداشته و در مجموع آنچه را که از آن به مدرنیسم نام می‌بریم پی ریخته‌اند.

قنادان می‌نویسد: «چنان‌که از عنوان این کتاب برمی‌آید، جنبش مورد بحث در دو موج پیاپی سر برمی‌کشد. نخست «مدرنیسم» است که از سال‌های میانی قرن نوزدهم میلادی آغاز می‌شود و به دیده بسیاری از صاحب‌نظران از سال ۱۹۳۰ به این طرف خرده‌خرده فرو می‌کشد. اما نمی‌توان آغاز و فرجام موج دوم را، که «پسامدرنیسم» نام دارد، با مرزبندی شفافی تصویر کرد. اما نشانه‌های موجود حکایت از آن دارد که با توجه به پاره‌ای از ناآرامی‌هایی که هم‌زمان در پاریس و برخی از شهرهای امریکا رخ می‌دهد سال‌های نیمه دوم دهه شصت می‌تواند آغاز مناسبی برای این پژوهش باشد.»

نویسنده کتاب «جای خالی معنا؛ مدرنیسم و پسامدرنیسم» را در ۶ فصل تالیف کرده است. «نسبت مدرنیسم با مدرنتیه»، «بستر فلسفی مدرنیسم» و «تاریخچه مدرنیسم، کوبیسم، اکسپرسیونیسم و سوررئالیسم» عناوین فصل‌های یکم تا سوم این اثر است.

قنادان در ادامه تالیف این اثر و در فصل چهارم «ویژگی‌های مدرنیسم» را بررسی کرده و در فصل‌های پنجم و ششم «پسامدرنیسم» و «نقد کاربردی» را واکاوی و آنها را در اختیار خوانندگان قرار داده است.

وی در این کتاب هسته محوری وضعیت کنونی را انسان مدرن و پسامدرن می‌داند و می‌نویسد: «حضور دردناک انسان در جهانی بدون معنا در تکان‌دهنده‌ترین صورت‌های قابل تصور در شعر و داستان این دوران بازتاب یافته است. چنان‌که «ایگلتون» به دنبال بحث از معنا و پیوند آن با نشانه‌های زبان می‌گوید، «هیچ چیز به طور کامل در نشانه‌ها وجود ندارد، بنابراین، پنداری بیش نیست اگر باور کنیم در آن چه به شما می‌گویم یا برای‌تان می‌نویسم می‌توانم در تمامیت خود حضور

داشته باشم، چرا که با به کار بستن نشان‌ها این واقعیت را در برمی‌گیرد که معنا همیشه به گونه‌ای پخش و تقسیم شده است و هرگز نمی‌تواند با خود یکی باشد. نه تنها معنا بلکه خودم نیز همین‌طور. از آنجایی که زبان چیزی است که از آن ساخته می‌شوم و نه ابزار راحتی که به کار می‌گیرم، این اندیشه که جوهر استوار و یگانه‌ای هستم نیز خود افسانه‌ای بیش نیست.»

«جای خالی معنا؛ مدرنیسم و پسامدرنیسم» از سوی نشر «مهرویستا» در ۲۱۴ صفحه، شمارگان ۵۵۰ نسخه به بهای ۱۴ هزار تومان منتشر و راهی بازار کتاب شده است.